

# نقد و بررسی نظریه تساوی در اسلام و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

سعید نفر

## چکیده

از جمله اسناد مهم بینالمللی در زمینه حقوق بشر و بالأخص «حقوق زنان کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» می باشد که در این کنوانسیون تأکید به برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمام زمینه‌ها به چشم می خورد. از طرفی در دین اسلام نیز مسئله‌ی تساوی حقوق زنان و مردان مورد توجه چشمگیری قرار گرفته است. از این رو در مقاله حاضر با ذکر، بررسی و نقد مؤلفه‌های مختلف نظریه تساوی در اسلام و در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، دیدی جامع‌تر و گسترده‌تر از این موضوع را ارائه دهیم و تفاوت‌های دیدگاه اسلام و کنوانسیون در مورد مسائل مرتبط با زنان مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

## کلیدواژه

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، برابری در اسلام، حقوق زنان

## مقدمه

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یک معاهده بین‌المللی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸) قطعنامه شماره ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. تاکنون تنها شش کشور ایران، سومالی، سودان، نائورو، پالائو و تونگا به این کنوانسیون ملحق نشده‌اند. قطر آخرین کشوری است که در ۲۹ آوریل ۲۰۰۹ به این کنوانسیون پیوسته است. این کنوانسیون مهم‌ترین معاهده ملل متحد در مورد تبعیض جنسیتی است و تبعیض جنسیتی را این‌گونه تعریف می‌کند: «قائل شدن به هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت بر مبنای جنسیت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر» کمیته رفع تبعیض علیه زنان نهادی برای نظارت بر حسن اجرای این معاهده است که به موجب ماده ۱۷ کنوانسیون تأسیس شده و دارای ۲۳ عضو است. وظیفه اصلی این کمیته بررسی گزارش‌های رسیده از کشورهای عضو کنوانسیون و ارائه پیشنهادها یا توصیه‌های کلی بر اساس بررسی گزارش‌ها است. گزارش به کمیته باید یک سال پس از تصویب یا الحاق و پس از آن هر چهار سال یک بار و یا هرگاه که کمیته بخواهد صورت پذیرد. پروتکل اختیاری کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یک قرارداد جنبی کنوانسیون است که دولت‌های عضو آن صلاحیت را در رسیدگی به شکایات اشخاص می‌پذیرند. این پروتکل در اکتبر ۱۹۹۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از دسامبر ۲۰۰۰ به اجرا درآمد و تاکنون ۹۴ دولت به آن پیوسته‌اند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۷ نوامبر سال ۱۹۶۷ اعلامیه رفع تبعیض



را در یک مقدمه و ۱۱ ماده به تصویب رساند و در سال ۱۹۷۲ دبیرکل سازمان ملل از کمیسیون مقام زن خواست تا نظر دولت‌های عضو را نسبت به شکل و محتوای یک سند بین‌المللی در زمینه حقوق زنان جویا شود. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه نسبتاً طولانی و شش بخش در ۳۰ ماده می‌باشد. در مقدمه از یک سو به اسناد مهم بین‌المللی چون منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر بر کرامت و ارزش انسانی هر فرد اعم از زن و مرد و برابری زن و مرد از این حیث اشاره شده و از سوی دیگر مصلحت جامعه بشری و حفظ و تقویت خانواده و حتی تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی در گرو پذیرش و اجرای تساوی حقوق زن و مرد و رفع تبعیض اعلام گردیده و بر ظلمی که در طول تاریخ و به خصوص در شرایط خاص و دشوار بر زنان رفته و همچنان نیز ادامه دارد و باید در رفع آن کوشید تأکید شده است. در بندی از مقدمه آمده است: «تبعیض علیه زنان، ناقض اصول برابری حقوق و احترام به کرامت انسانی است و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده» در فراز دیگر: «سهام عمده زنان در تحقق رفاه خانواده و پیشرفت جامعه که تاکنون کاملاً شناسایی نشده است.» به موجب ماده ۱۷ کنوانسیون به منظور بررسی پیشرفت‌های حاصل شده در اجرای مواد کنوانسیون «کمیته رفع تبعیض از زنان» از ۲۳ کارشناس دارای صلاحیت و شهرت اخلاقی و الا در زمینه‌های مربوط به کنوانسیون تشکیل می‌گردد. کارشناسان یاد شده به وسیله دولت‌های عضو از میان اتباع کشورشان انتخاب می‌شوند.

عبارت «تبعیض علیه زنان» در این کنوانسیون به هرگونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان اطلاق می‌گردد. کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است. در ماده اول آن مقصود از عبارت «محو تبعیض علیه زنان» محو هرگونه تمایز، استثناء و محدودیت بر اساس جنسیت است. مواد دوم تا شانزدهم آن نیز بر تساوی زنان و مردان در تمامی زمینه‌ها تأکید کرده است. تاکنون تعداد زیادی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، این کنوانسیون را پذیرفته‌اند. لازم به ذکر است که برخی از مواد این کنوانسیون با احکام اسلامی، ارزش‌های اخلاقی و قوانین کشورهای مختلف مغایرت دارد. (قامت، صابری، ۱۳۹۱: ۱۸۰)

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، از جمله اسناد مهم بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و بالأخص حقوق «زنان» به عنوان «نیمی از بشریت» در جهان می‌باشد. این کنوانسیون بر اساس اسناد بین‌المللی مهمی از قبیل منشور سازمان ملل متحد، میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی، قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌های سازمان ملل متحد و اعلامیه محو تبعیض علیه زنان تنظیم، تصویب و لازم‌الاجرا گردیده است و در آن رفع تبعیض علیه زنان را تنها از طریق «تساوی زنان و مردان» ممکن می‌داند. از طرفی در دین اسلام به مسئله‌ی تساوی حقوق زنان و مردان توجه چشمگیری شده است. در احکام، آداب و آموزه‌های قرآنی، سیره‌ی پیامبر(ص) و ائمه‌ی طاهرین (س)

مسئله‌ی «تساوی حقوق با حفظ و رعایت خصوصیات جنسیتی» هر کدام از زنان و مردان به خوبی مشاهده می‌گردد. از این رو در مقاله حاضر برآنیم تا با ذکر، بررسی و نقد مؤلفه‌های مختلف نظریه تساوی در اسلام و در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، دیدی جامع‌تر و گسترده‌تر از این موضوع را ارائه دهیم. لازم به ذکر است که در متن مقاله گاه به جای عنوان «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» برای اختصار از واژه‌ی «کنوانسیون» استفاده شده است.

## ۱. اهداف تحقیق

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی و نقد نظریه تساوی حقوق زنان و مردان در «اسلام» و همچنین در «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» با استناد به اسناد هر کدام می‌باشد تا از این رهگذر مخاطب پی ببرد که کدام یک بیشتر متضمن حفظ و رعایت حقوق برابر برای زنان و مردان می‌باشد.

## ۲. سؤالات تحقیق

۱. حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی زنان در اسلام و در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان کدامند؟
۲. مشارکت زنان در شرایط مساوی با مردان در مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در هر کدام از دو سند فوق چگونه پیش‌بینی شده است؟
۳. شکوفایی کامل قابلیت‌ها و استعدادهای زنان در هر کدام از دو سند فوق چگونه پیش‌بینی شده است؟
۴. نگاه اسلام و کنوانسیون به اهمیت نقش اجتماعی و مادری زنان و نقش والدین در خانواده و در تربیت کودکان چگونه است؟

۵. نحوه‌ی مجازات و قوانین کیفری پیش‌بینی شده در اسلام و کنوانسیون چگونه است؟

۶. حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان چگونه است؟

۷. تساوی در حیات سیاسی و اجتماعی از رهگذر رأی دادن، مشارکت در تعیین دولت و اجرای سیاست‌های آن و انتصاب به سمت‌های دولتی، شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی در هر دو سند چگونه است؟

۸. مسائل مربوط به احوال شخصیه از قبیل تابعیت، آموزش و پرورش یکسان در هر دو سند چگونه بیان شده است؟

۹. حقوق کار و اشتغال، ازدواج و مادری در هر دو سند چگونه است؟

۱۰. حقوق مدنی زنان در هر دو سند چگونه است؟

### ۰۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف در گروه تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد؛ زیرا نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند به توسعه دانش در زمینه‌ی تساوی حقوق زنان و مردان کمک کند. از نظر شیوه‌ی گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر از شیوه‌ی اسنادی یا کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

### ۰۴. مبانی نظری

#### ۴-۱ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان

پس از شکل‌گیری نظام نوین حقوق بشر مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد، تلاش‌های زیادی جهت احیای حقوق زنان در سطح جامعه بین‌المللی صورت پذیرفت. مبارزه با انواع و اقسام تبعیضات و نابرابری‌های ناروا که نسبت به زنان به طور گسترده‌ای روا داشته می‌شد و تلاش برای احیا و تأمین



حقوق این گروه آسیب‌پذیر که در طول تاریخ همواره تحت ظلم و تزییع حقوق قرار گرفته بودند در قالب اسناد عام حقوق بشری چون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و... به تنهایی ناکافی بود و از این جهت در کنار تصویب این اسناد، اسناد خاص حقوق بشری در راستای حمایت ویژه از حقوق زنان نیز نظیر کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۳)، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (۱۹۶۷) و... به تصویب رسید. کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی الزام‌آور در مبارزه با تبعیض علیه زنان محسوب می‌شود که با هدف تضمین رعایت حقوق زنان و تساوی آنها در سال ۱۹۷۹ به تصویب رسیده است.

### ۴-۲ فرآیند تدوین و تصویب کنوانسیون

به منظور تضمین احترام به حقوق زنان و رفع تبعیض علیه آنها، ضرورت تدوین و تصویب سند الزام‌آوری با سازوکارهای اجرایی ایجاب نمود تا در سال ۱۹۷۲ دبیرکل سازمان ملل متحد از کمیسیون مقام زن بخواهد تا نظر دولت‌های عضو را درباره شکل و محتوای سندی بین‌المللی در زمینه حقوق زنان جویا شود. در سال ۱۹۷۳، یک گروه کاری از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی جهت بررسی تنظیم چنین کنوانسیونی تعیین شده در سال ۱۹۷۴ کمیسیون مقام زن تنظیم پیش‌نویس کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان را آغاز نمود. کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زن که در سال ۱۹۷۵ برگزار شد، کمیسیون را در انجام این کار تشویق کرد.

همچنین کنفرانس مزبور، برنامه‌ای کاری را تحت عنوان «کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان» با روش‌های مؤثر اجرایی آن به تصویب رساند و کمیسیون مقام زن نیز کار تدوین و تنظیم کنوانسیون را پیگیری کرد تا اینکه در سال ۱۹۷۷ پیش‌نویس تهیه شده را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه نمود. مجمع عمومی نیز گروه کاری ویژه‌ای را جهت تنظیم نهایی پیش‌نویس کنوانسیون مأمور کرد و سرانجام در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طرح مذکور با عنوان کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت. کنوانسیون مزبور مطابق ماده ۲۷ آن، سی روز پس از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب کنوانسیون نزد دبیرکل سازمان ملل در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا گردیده است.

### ۵. نگاهی اجمالی به محتوای کنوانسیون

کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (از این پس به اختصار کنوانسیون) شامل یک مقدمه نسبتاً مفصل و سی ماده بوده که در قالب شش بخش تنظیم شده است:

#### ۵-۱ مقدمه کنوانسیون

در مقدمه کنوانسیون با اشاره به تأکید منشور ملل متحد مبنی بر احترام به حقوق اساسی بشر و کرامت انسانی و برابری حقوق زن و مرد و اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنی بر اصل عدم تبعیض و تعهد دولت‌های عضو و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر به تضمین برابری حقوق زنان و مردان و با یادآوری اینکه تبعیضات علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به کرامت بشر و مانع مشارکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی



سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و با اعتقاد به اینکه توسعه تام و کامل هر دولت، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم مشارکت گسترده زنان در تمامی زمینه‌ها به نحو برابر با مردان است و با عزم بر اجرای اصول مندرج در اعلامیه محو تبعیض علیه زنان، دولت‌های عضو کنوانسیون حاضر به شرح زیر توافق کرده‌اند. (ابراهیمی، ۱۳۹۰) کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نظیر بسیاری از اسناد بین‌المللی موجود، حاصل تشکیل سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد است که تشکیل این سازمان‌ها نیز به نوبه‌ی خود زاینده حوادث جنگ دوم جهانی در قرن بیستم میلادی می‌باشد. از طرفی قوانین اسلامی شکل پیشرفته و تکمیل‌شده‌ی قوانین الهی است که از هزاره‌های قبل از میلاد در قالب ادیان توحیدی به بشریت عرضه شده است و کاملاً با سرشت و طبیعت انسان‌ها سازگار می‌باشد. این قوانین به هیچ وجه عکس‌العملی در مقابل حوادث تلخ و ظالمانه نبوده است که جنبه‌ی افراط یا تفریط داشته باشد. به علاوه امروزه اسناد با ارزش بین‌المللی نظیر «اعلامیه حقوق بشر اسلامی» در دسترس است که از بسیاری از جهات مترقی‌تر از اسناد سازمان ملل می‌باشد، لیکن متأسفانه در رسانه‌های استکباری این گونه وانمود می‌شود که اسنادی نظیر این کنوانسیون جامع، کامل و بیشتر متضمن حفظ حقوق زنان می‌باشد.

### ۶. برابری

اندیشه برابری که امروزه از ارکان حقوق بشر است در یک فرآیند تاریخی حدوداً ۲۵۰۰ ساله (از زمان افلاطون و سوفسطاییان تا امروز) در ذهن انسان تثبیت شده است. مفهوم برابری نسبت مستقیم با فرهنگ جدید دارد و در ادوار گذشته چنان شناخته نبود. این مفهوم با تمام محبوبیت آن در فرهنگ جدید قابل

تعریف دقیق نیست و محققان عصر جدید بیشتر آن را پذیرفته‌اند و کمتر در ماهیت آن کندوکاو کرده‌اند. اجمالاً برابری به معنی «تساوی حقوق اجتماعی» افراد به کار می‌رود. (صانعی، ۱۳۸۲)

تأکید بر برابری انسان‌ها با یکدیگر پیشینه‌ای طولانی دارد. در مشرق زمین تا قبل از ظهور اسلام (قرن ۷ میلادی) زنان مانند کالایی محسوب می‌شدند که در جنگ‌ها به غنیمت گرفته شده و یا با فوت همسرانشان مانند ارثیه توسط دیگران تملک می‌شدند و یا پیش از رسیدن به سن رشد و بلوغ زنده به گور می‌گردیدند. اسلام برای زنان شخصیتی انسانی برابر مردان قائل شده و برای آنها حق انتخاب همسر، استقلال اقتصادی و... برابر مردان در نظر گرفت.

در اسلام تساوی ارزشی بین زن و مرد، یک اصل اساسی است و جزء اصول مسلم دینی به حساب می‌آید و راه ترقی برای زن و مرد یکسان است، در این مورد می‌توان به آیات ذیل استناد نمود:

«ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (سوره حجرات، ۱۳)؛ «همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.»

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْتِي بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (سوره آل عمران، ۱۹۵)؛ «پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچکس از مرد و زن را بی‌مزد نگذارم؛ زیرا شما از یکدیگر (و همه در نظر من یکسانید)، پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج

کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدی‌های آنان را بیوشانم و آنها را به بهشت‌هایی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو.»

این آیات بیانگر تساوی حقوق زن و مرد است. در این آیات مرد و زن با هم ذکر شده، اما این دو موجود از نظر طبیعی و جسمی با هم تفاوت‌هایی دارند که این موضوع اجتناب‌ناپذیر است. این تفاوت‌ها اقتضای تقسیم مسئولیت‌ها و تربیت نظام‌های اجتماعی را طلب می‌کند. «تبعیض» موقعی به میان می‌آید و تحقق می‌یابد که در صورت تساوی توانایی‌ها و استعدادها یکی را بر دیگری ترجیح بدهیم. لحاظ نکردن توانایی و استعداد و چشم‌پوشی از نوع مسئولیت، موجب تبعیض می‌شود. زن و مرد مکمل یکدیگر هستند و همانند لباس جبران‌کننده کمبود و مایه آرامش هم می‌شوند. مرحوم استاد شهید مطهری پیرامون حقوق زن و تساوی آنها با حقوق مردان، می‌فرماید: «در مکتب اسلام، زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق متساوی بهره‌مندند، اما آنچه که از نظر اسلام مطرح است، این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن و دیگری مرد است و خلقت و طبیعت آنها یکسان نیست در برخی حقوق و تکالیف و مجازات‌ها دارای تفاوت هستند. در دنیای غرب اکنون سعی می‌شود که میان زن و مرد از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف، وضع واحد مشابهی به وجود آورند و تفاوت‌های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده بگیرند. علی‌هذا، آنچه اکنون در کشور ما میان طرفداران حقوق اسلامی از یک طرف و طرفداران سیستم غربی از طرف دیگر مطرح است، مسئله وحدت و تشابه نقش اجتماعی زن و مرد است نه تساوی حقوق آنها و کلمه تساوی حقوق، یک عنوان «تزویرآمیز» است که برای تساوی نقش در جامعه گذاشته شده است.»

مرحوم شهید مطهری در آن زمان (حدود ۳۳ سال قبل) بر نکته‌ای اشاره داشته‌اند که این برنامه‌ها نوعی تزویر و فریب است. آنان تساوی حقوق را مدنظر ندارند، بلکه تشابه حقوقی را در نظر دارند. اسلام ضمن اینکه زن و مرد را برابر و از یک جنس می‌داند، اما این دو را مکمل یکدیگر قرار می‌دهد تا بتوانند راه تعالی را بیمایند. خداوند در قرآن درباره آفرینش این دو، اینچنین می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره روم، ۲۱)؛ و یکی از نشانه‌های لطف الهی این است که برای شما از جنس خودتان، جفتی (و همسری) بیافرید که در بر او آرامش یابید و با هم انس بگیرید و میان شما، مهربانی و قرار ساخت. به یقین، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی است.

از نشانه‌های خداوند یکی این است که از خودتان برای شما همسرانی آفریدیم تا بدان‌ها آرامش یابید و بین شما دوستی و مهربانی قرار داد، در این موضوع نشانه‌هایی برای اندیشمندان است. در مفردات راغب «زوج» این چنین معنی شده است: «زوج: يقال لكل واحد من القرينين من الذكر والانثى.»؛ به هر یک از دو جنس مذکر و مؤنث زوج گفته می‌شود. (قامت، صابری، ۱۳۹۱: ۱۸۷)

در اروپا این اندیشه بسیار دیرتر ظهور کرد (قرن ۱۸ میلادی). به ویژه بعد از انقلاب فرانسه و دوره روشنگری، این اندیشه به نیروی برای تغییرات اساسی در حقوق عمومی و سیاسی در اروپا و شمال آمریکا تبدیل شد. در دهه‌های اخیر مجامع بین‌المللی به منظور تأکید بر برابری انسان‌ها با قطع نظر از نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی، مذهب، ثروت، مقام، جنس و جز این‌ها، چندین مقاله‌نامه و اعلامیه تصویب کرده‌اند.



## ۷. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

در طول تاریخ تلاش‌ها و فعالیت‌های زیادی انجام شده تا زنان بتوانند به حقوق فردی و مدنی خویش دست پیدا کنند. تصویب قوانین مختلف میثاق‌ها و معاهدات نشان از اهمیت این مسئله دارد. در این میان کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان موقعیت ویژه‌ای داشته و ملاکی برای قضاوت در مورد حقوق اعطا شده به زنان در کشورهای عضو است. این کنوانسیون در ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد و برای امضاء و الحاق کشورها مفتوح گردیده است. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه مشروح و ۳۰ ماده است که در ۶ بخش تنظیم گردیده و اجرای آن بر عهده «کمیته‌ی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» می‌باشد که ۲۳ کارشناس در این کمیته مشغول به کار هستند. دول عضو این کنوانسیون طبق بند ۲ ماده ۱۸ موظفند طبق خط‌مشی‌ها و رهنمودهای این کمیته هر چهار سال یک بار گزارش‌های خود را تنظیم و برای کمیته ارسال کنند. پیام اصلی کنوانسیون برابری کامل زن و مرد و از میان رفتن همه‌ی تمایزها در عرصه‌ی حقوقی، سیاسی و اجتماعی است. مگر آنکه این تمایزات از نوع تبعیض مثبت و به معنای اعطای حقی خاص به زنان به منظور ارتقای وضعیت آنها و دستیابی به وضعیتی برابر با مردان باشد. همچنین دومین محور این کنوانسیون مفهوم آزادی است. در اندیشه‌ی لیبرالیستی هیچ ارزشی به غیر از آزادی دیگران نمی‌تواند آزادی انسان را محدود کند.

## ۸. نقد و بررسی نظریه برابری در اسلام و کنوانسیون

### ۸-۱ حقوق اجتماعی - فرهنگی

در این زمینه در کنوانسیون به تغییر الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روش‌های عملی که بر طرز تفکر پست‌نگری یا برتری‌بینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مبتنی است، اشاره شده است.

اسلام نیز در سخن گفتن از مسئولیت‌های اجتماعی و فردی هم با مردان سخن می‌گوید و هم با زنان و حتی گاهی روی سخن با زنان قبل از مردان است؛ چراکه زنان را در ۹ سالگی شایسته به دوش کشیدن بار تکلیف و به پذیرش مسئولیت می‌بیند و مردان را در پانزده سالگی. ارج‌گذاری بی‌مانند اسلام به مقام زن، باعث حضور جدی آنان در تمامی صحنه‌های اجتماعی از مسجد تا صحنه‌ی نبرد و کارزار شده است. (خرمی، ۱۳۸۴)

اسلام حضور زنان را در اجتماع تا آنجایی که به حفظ منافع خانواده که مناسب‌ترین محل بروز استعدادهای زنان است و نیز حفظ آرامشی روانی و روحی جامعه لطمه‌ای وارد نکند، بلامانع می‌داند. (واعظی و جباری، ۱۳۸۹)

### ۸-۲ حقوق سیاسی و مدنی

در زمینه‌ی فعالیت‌های سیاسی و عمومی، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان حق رأی دادن در همه انتخابات و حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آنها و نیز حق شرکت در سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور را از جمله حقوق زنان می‌داند. در اسلام نیز حضور زنان بزرگ تاریخ اسلام همچون حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت



زینب کبری (س) و حضرت خدیجه (س) در صحنه‌های حساس سیاسی نظیر خلافت و رهبری امت اسلامی و ابلاغ پیام خونین شهدای کربلا، حضور زنان در بیعت با پیامبر اکرم (ص)، حضور آنان در کنار مردان در پیمان عقبه اولی و عقبه عقبی با پیامبر، همچنین حضور زنان در بیعت رضوان و بیعت زنان با رسول خدا بعد از فتح مکه و نیز با توجه به نظرات صریح حضرت امام خمینی (ره) و دیدگاه مراجع شیعه و سنی به ویژه نظرات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در خصوص مشارکت همه جانبه زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور هیچ گونه شک و تردیدی در جواز مشارکت سیاسی زنان در اسلام وجود ندارد. (واعظی و جباری، ۱۳۸۹)

### ۳-۸ آموزش

ماده ۱۰ به طور مفصل به مسئله تساوی زن و مرد در برخورداری از آموزش و بهره‌مندی از امکانات آموزشی پرداخته و دولت‌ها را ملزم نموده تا اقدامات مقتضی را در جهت محو تبعیض و برقراری شرایط یکسان در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، دسترسی به آموزش و دریافت دانشنامه در انواع مؤسسات آموزشی و در تمامی مقاطع، دسترسی به برنامه درسی، امتحانات، امکانات آموزشی و صلاحیت‌های برابر، محو مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در تمامی سطوح و اشکال آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلط و...، فرصت‌های مشابه برای دستیابی به برنامه‌های ادامه تحصیل، سوادآموزی بزرگسالان و...، کاهش آمار ترک تحصیل دختران، فرصت‌های برابر برای شرکت فعال در ورزش و تربیت‌بدنی و دسترسی به اطلاعات آموزشی برای تضمین سلامت خانواده و تنظیم خانواده، اتخاذ نمایند.

در کنوانسیون بیان شده که دولت‌های عضو تمام اقدامات لازم برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و تضمین حقوق مساوی آنان با مردان در زمینه آموزش را اتخاذ می‌نمایند.

یکی از روشن‌ترین مواضع اسلام، جانبداری اصولی و بی‌نظیر از علم آموزی، توسعه آموزشی و گسترش دانش‌افزایی در بین زنان است. حق آموزش و تحصیل از حقوق طبیعی و فطری انسانی محسوب می‌شود و ارتباطی با جنسیت ندارد. در اسلام علم آموزی زنان اگر با اهمیت‌تر از علم آموزی مردان نباشد، کمتر از آن هم نیست. چنانکه در روایات داریم: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» که در آن قید جنسیت برای علم آموزی برداشته شده است. از طرفی نیز زندگی زنانی که در اسلام وجود داشتند نشان می‌دهد که نه تنها تحصیل علم برای زنان، بلکه تعلیم و آموزش آنان از امور بسیار مؤکد و شریف محسوب می‌شده است که از آن جمله می‌توان به مجالس درس و تفسیر قرآن اوسط حضرت زینب (س) در کوفه اشاره کرد. (مستقیمی، ۱۳۸۰)

### ۸-۴ اشتغال

بر اساس ماده ۱۱ کنوانسیون دولت‌ها باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان و برقراری تساوی در زمینه حق کار، حق استفاده از فرصت‌های شغلی، حق انتخاب آزادانه حرفه و پیشه، ارتقای مقام، امنیت شغلی و تمامی امتیازات شغلی و استفاده از دوره‌های آموزش حرفه‌ای و...، حق دریافت دستمزد برابر و برخورداری از رفتار یکسان در ارزیابی از کیفیت کار مشابه، بهره‌مندی از بیمه‌های اجتماعی، حق حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار و تضمین جلوگیری از اعمال تبعیضات علیه زنان به جهت ازدواج یا بارداری از جمله





ممنوعیت اخراج به جهت بارداری یا مرخصی زایمان یا وضعیت زناشویی، صدور اجازه مرخصی زایمان با حقوق یا مزایای اجتماعی، تشویق به ارائه خدمات حمایتی اجتماعی، برقراری حمایت خاص از زنان در هنگام بارداری، به عمل آورند و قوانین حمایت کننده در خصوص موضوعات مذکور را مورد بررسی و بازنگری قرار دهند. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان بیان می‌کند که دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق یکسان برای زنان رعایت می‌شود.

در قرآن کریم که به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع شناخت احکام اسلامی محسوب می‌شود، هیچ آیه‌ای به طور صریح بر ممنوعیت اشتغال زنان دلالت نمی‌کند. قرآن جواز مالکیت و اشتغال را برای زنان طبق آیه سی و دوم از سوره نساء «برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است» به رسمیت شناخته است. همسر بزرگوار پیامبر اکرم (ص) نیز از زنان برگزیده‌ای بود که به تجارت اشتغال داشت و مردان زیادی تحت امر مدیریت وی بودند. بر اساس آموزه‌های دین مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده بر عهده مرد است و زنان هیچ گونه مسئولیتی در برابر تأمین معاش خانواده ندارند. فرهنگ اسلامی به دلیل اولویتی که برای تربیت فرزند قائل است و نقش تربیتی و پرورشی مادر را بی‌بدیل می‌داند، اشتغال زنان را در صورت عدم تعارض با این نقش مهم تأیید می‌کند. در اسلام، هر فردی چه مرد و چه زن، می‌تواند آزادانه شغل و کار مورد علاقه خود را انتخاب نماید و به تأمین نیازمندی‌های خود و دیگران پردازد و هیچ کس نمی‌تواند

حاصل دست رنج او را مورد تعرض و تعدی قرار دهد. زن می‌تواند از طریق کار و تلاش استقلال مالی خود را تحقق بخشد و در رابطه با دغدغه‌های مربوط به عفاف و امنیت زن با وضع قانون مناسب می‌توان راه مشارکت زنان را باز کرد و عقلاً و شرعاً نمی‌توان آنان را به فعالیت‌های درون خانه به عنوان یک وظیفه خاص محدود کرد. از طرفی در فرهنگ اسلامی با تشریح سهم‌الارث، مهر و نفقه و حق مطالبه اجرت در مقابل کارهای خانگی، بر استقلال اقتصادی زن نیز تأکید شده است. (عاقبتی، ۱۳۹۴؛ خرمی، ۱۳۸۴)

### ۸-۵ مادری

در کنوانسیون بیان می‌شود که دولت‌های عضو، حقوق ویژه‌ای را برای زنان در دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان پیش‌بینی نموده تا در صورت لزوم خدمات رایگان در اختیار آنها قرار گیرد و در دوران بارداری و شیردادن، تغذیه کافی به آنها رانده شود. همچنین حصول اطمینان از اینکه تعلیم و تربیت خانواده، شامل درک صحیح از مادری به عنوان یک وظیفه اجتماعی و شناسایی مسئولیت مشترک زن و مرد در تربیت و رشد کودکان می‌شود. توجه ویژه‌ای که در آیات قرآن به حق‌شناسی نسبت به والدین و به صورت ویژه به مادر شده، همچنین توجه و شرح دوران بارداری، زایمان و شیردهی و سختی‌های آن، همه نشان‌دهنده‌ی توجه ویژه‌ای است که در اسلام به مسئله‌ی مادری شده است. همچنین در اسلام توجه زیادی به اهمیت تغذیه دوران بارداری شده و سفارشات زیادی شده که زن باردار از غذای حرام یا شبه‌ناک بپرهیزد. همچنین در قرآن کریم تصمیم‌گیری در مورد از شیر گرفتن کودک را به مشورت پدر و مادر وا می‌گذارد. از نظر اسلام مادر اساس شکل‌گیری هویت خانواده است و شخصیت همسر و فرزندان و سعادت و شقاوت خانواده منسوب به او است. (یزدی، ۱۳۸۸)

## ۸-۶ اقتصادی

### ۸-۶-۱ نفقه

از دیدگاه اسلام زنان جز در موارد نادر هیچ گاه در زندگی خانوادگی مسئول پرداخت هزینه‌های زندگی خویش و دیگران نیستند. زن در خانواده نقش‌های دختری، همسری و مادری را می‌پذیرد و در تمام این موارد مردان خانواده مسئول پرداخت هزینه زندگی او هستند. به این حق زن، نفقه گفته می‌شود. بنابراین، حکمت معافیت زنان از مسئولیت اقتصادی در خانواده روشن می‌شود. (ابن‌تراب، ۱۳۹۳)

### ۸-۶-۲ ارث

در کنوانسیون درباره حق ارث گفته نشده است، اما چون به طور مطلق قائل به تساوی حقوق زن و مرد است از جمله موارد اختلاف قوانین ایران با مواد کنوانسیون می‌باشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
قوانین جمهوری اسلامی ایران: مواد ۸۶۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی به موضوع ارث می‌پردازد.

طبق ماده ۸۶۱: «نسب و سبب موجب ارث است.»

ارث‌برندگان نسبی به سه طبق تقسیم می‌شوند:

ماده ۸۶۲: (پدر و مادر، اولاد، اولاداولاد)، (اجداد، برادر و خواهر، اولاد آنها)،

(عموها، عمه‌ها، دایی‌ها، خاله‌ها، اولاد آنها)

ماده ۸۶۴: «از جمله اشخاصی که ارث می‌برند. هریک از زوجین است که

در حین فوت دیگری زنده باشد. افراد به واسطه نسبت خویشاوندی که با

یکدیگر دارند و به سبب نسبت زناشویی از یکدیگر ارث می‌برند. همواره

جز در مواردی در حقوق اسلامی در اصل رابطه توارث، زنان و مردان با هم مساوی هستند. در میزان سهم الارث نیز این گونه نیست که همواره سهم زنان و مردان متفاوت باشد، بلکه در شرایطی نیز سهم ارث زنان با مردان برابر است. در زمینه ارث بردن با توجه به اینکه زنان همواره مالک اموال و حاصل دست رنج خود هستند و هیچ وظیفه‌ای مالی حتی برای هزینه‌های شخصی خویش ندارند، نسبت به مردان خانواده (برادر) از سهم الارث کمتری برخوردارند. اصل ارث بردن زنان از همسر متوفای خود کاملاً در جهت منافع زنان است. با توجه به آنچه بیان شد، مشاهده می‌شود که تفاوت‌های اقتصادی موجود در حقوق اسلامی که تنها در بعضی موارد در زمینه احوال شخصی وجود دارد، بر اساس نابرابری در نقش‌ها است. (ابن‌تراب، ۱۳۹۳)

#### ۸-۶-۳ دیه

دیه طبق قانون مجازات اسلامی مالی است که از طرف شارع برای جنایات تعیین شده است. (م. ۱۵)

که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم داده می‌شود. (م. ۲۹۴)

ماده سیصد (ق.م.ا): «دیه قتل (عمد یا غیرعمد) زن مسلمان نصف دیه مرد مسلمان است.»

دلیل این امر به نقل حر عاملی از علی بن موسی الرضا (ع) روایت است که فرمود: «عدم مسئولیت مادری زن در خانواده است، چون زن هیچ نقشی در تأمین مخارج منزل ندارد و این وظیفه بر عهده شوهر است به این دلیل دیه مرد بیشتر از دیه زن است.»

طبق ماده ۲۰۹ (ق.م.ا): «هرگاه مرد مسلمانی زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد.»

ماده ۲۷۳: «در قصاص عضو زن و مرد برابرند مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد.»

هم کنوانسیون و هم قوانین داخلی ایران قائل به رعایت حقوق مدنی و کفبری برای زنان هستند، اما در برخی جنبه‌ها قانون ایران با کنوانسیون در تعارض است. در مورد دیه: «دیه زن نصف دیه مرد است.» در مورد شهادت: «یا شهادت زن پذیرفته نیست یا ارزش گواهی دو زن برابر با ارزش شهادت یک مرد است.» در باب قصاص: «اگر زنی مردی را به قتل برساند بدون هیچ گونه شرطی قصاص می‌شود، اما هرگاه مرد مسلمانی زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد.» علت نابرابری دیه زنان و مردان را می‌توان در بیان ماهیت دیه جستجو کرد. اگر دیه را ماهیتی با عنوان جبران خسارت بدانیم، بنا بر پذیرش این نظر در حقیقت پرداخت دیه، جنبه جبران خسارت مالی را نیز دارد، حتی اگر جنبه مجازاتی آن نیز مورد توجه قرار گرفته باشد، دیه موجب جبران خسارت مالی وارد بر مجنی‌علیه یا ورثه او می‌شود. در این صورت با توجه به اینکه همواره مردان مسئول اقتصاد در خانواده هستند، با فقدان ایشان خسارت مالی بیشتری به خانواده وارد می‌شود و جبران آن نیز سنگین‌تر خواهد بود. (ابن‌تراب، ۱۳۹۳)

## ۷-۸ قصاص

در اسلام در مورد اجرای حکم قصاص بین زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد. در خصوص علت این تفاوت‌ها باید گفت که آیات قرآن حق قصاص را بدون هیچ تفاوتی میان زن و مرد در نظر گرفته است و نفس را در برابر نفس قرار داده است اعم از اینکه زن باشد یا مرد و در جایی که پرداخت دیه جایگزین مجازات قصاص می‌گردد با توجه به خاستگاه‌های متفاوت این حکم ما را در دستیابی به دلیل این تفاوت یاری خواهد کرد. در واقع مبنای این تفاوت جایگاه اقتصادی مرد و مسئولیت او بر اداره خانواده است. بر این اساس هم عدالت از نظر اقتصادی تأمین می‌شود و هم مصالح قصاص. (خسروشاهی و

پراقی، ۱۳۹۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### نتیجه گیری

در این مقاله با بررسی و مقایسه ابعاد گوناگون تساوی بین زنان و مردان در اسلام و کنوانسیون، مشاهده می‌کنیم که در اسلام با توجه به کارکردهای اجتماعی و نقش هرکدام از زنان و مردان در جامعه بشری حقوق و تکالیفی برای هرکدام در نظر گرفته شده است که با وجود تفاوت‌هایی که بین این حقوق و تکالیف دیده می‌شود، هرگز اسلام جایگاه انسانی زنان را از مردان پایین‌تر نمی‌داند و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. حال آنکه کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان با وجود اذعان برابری کامل زنان و مردان در تمام زمینه‌ها، خود قبول‌دار تفاوت در ویژگی‌های فردی بین آنها در زمینه‌هایی همچون مسائل مادری و اقتصادی می‌باشد و در بندهای مختلفی از این کنوانسیون شاهد عدم برابری کامل زنان و مردان و قائل شدن امتیازات ویژه برای زنان هستیم که این همان چیزی است که قرن‌ها پیش اسلام به آن توجه کافی داشته است.

## منابع

- ۱- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۰) کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، عدل گستر میزان.
- ۲- ابن تراب، مریم (۱۳۹۳) جایگاه کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در حقوق اسلامی با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی، پژوهشنامه متین، سال ۱۶، شماره ۶۳، ۱-۱۹.
- ۳- احمدی، سیدمحمد (۱۳۸۸) مشارکت سیاسی زنان در ایران غرب و اسلام، علوم اجتماعی، پژوهشنامه، شماره ۴۲، ۱۱۷-۱۵۶.
- ۴- بیگی، نفیسه؛ انصافی، سعیده (۱۳۹۵) تبیین جایگاه مادر در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر آیات و روایات، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- ۵- خرمی، جواد (۱۳۸۴) جایگاه اجتماعی زن در اسلام، فقه و اصول، مبلغان، شماره ۶۷.
- ۶- خسروشاهی، قدرت‌الله؛ یراقی، سعیده (۱۳۹۲) مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۶.
- ۷- صانعی، منوچهر (۱۳۸۲) برابری در حقوق بشر و پیشینه تاریخی آن، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۹-۴۰.
- ۸- عاقبتی، پریسا (۱۳۹۴) پژوهشی در اشتغال بانوان از دیدگاه اسلام، فصلنامه علمی - پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، سال دهم، شماره ۳۹.
- ۹- قامت، جعفر؛ صابری قمی، پرتو (۱۳۹۱) الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فرصت‌ها و تهدیدها، مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۸.
- ۱۰- مستقیمی، مهدیه‌سادات (۱۳۸۰) رویکردی تطبیقی به خاستگاه‌های فلسفی مسائل اجتماعی زنان در اسلام و فمینیسم بخش دوم (نگاه اسلام به آموزش و تحصیل زنان)، علوم اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۱.



- ۱۱- واعظی، محمدجواد؛ جباری، محمدرضا (۱۳۸۹) نگاه تاریخی به وضعیت زن در اسلام، تاریخ اسلام در آیینه پژوهش، شماره ۲۶.
- ۱۲- یزدی، اقدس (۱۳۸۸) اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال دهم، شماره سوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی